



صهیونیست‌ها با چه هدفی محسن فخری‌زاده، دانشمند هسته‌ای کشورمان را ترور کردند؟

تل‌آویو پل «فشار حداکثری» ترامپ به «فشار هوشمندان» بایدن



سید مهدی طالبی

روزنامه‌نگار

دانشمندان و دانش‌شان در دو برهه مورد توجه سرویس‌های امنیتی کشورهای رقیب قرار می‌گیرند؛ یکی پس از شکست‌های سخت (فروپاشی یا جنگ) و دیگری در دوران دستیابی به علمی که آن کشور را از رقابش متمایز می‌کند. در شکست‌های سخت همانند آنچه پس از جنگ جهانی دوم برای آلمان اتفاق افتاد، آمریکا جدای از جذب برترین دانشمندان آلمانی، تلاش کرد تمام دانش فنی و علمی و همچنین تمام اختراعات ثبت‌شده در آلمان را تصاحب کند و آلمان را به کشوری با ملتی دامدار و کشاورز تبدیل کند. اما در دوران پیشرفت‌های خیره‌کننده، اگر امکان جذب دانشمندان وجود نداشته باشد، ساده‌ترین راه برای ممانعت از پیشرفت متمایزکننده آن کشور، از بین بردن آن دانش یا ترور دانشمندان است؛ رخدادی که در ۱۱ سال گذشته، حداقل چهار بار در ایران برای دانشمندان هسته‌ای اتفاق افتاد. ظهر جمعه هفتم آذرماه، محسن فخری‌زاده پنجمین دانشمند هسته‌ای ایران نیز توسط عناصر وابسته به سرویس‌های بیگانه به شهادت رسید. در همین مدت نیز چندین بار تاسیسات هسته‌ای که تلبور دانش دانشمندان ایران بوده، به شکل‌های مختلفی مورد حمله قرار گرفته است.

ایران اولین کشوری نیست که دانشمندان ترور و تاسیسات نوینش مورد تهدید واقع می‌شوند. پیش از ایران، کم‌نمودند دانش و دانشمندی که به شکل‌های گوناگون سرویس‌های اطلاعاتی سعی در نابودی آنها داشتند. یکی از این نمونه‌ها، نیروگاه اوسیراک عراق است. بغداد را کتور هسته‌ای خود را از فرانسه خریداری کرد. در ابتدا قرار بود این تاسیسات در آوریل ۱۹۷۹ به عراق منتقل شوند، اما کمی پیش از عزیمت آنها انفجاری در انبار محل نگهداری رخ داد و سازمانی مسئولیت این عملیات را برعهده گرفت که قبلاً هرگز خبری از آن نبود و بعداً نیز خبری از آن نشد. یک‌سال بعد یحیی المشاد، دانشمند مهم برنامه هسته‌ای عراق، برای آزمایش سوخت راکتور وارد فرانسه شد. یک روز صبح، خدمتکار هتل متوجه شد که او را با ضربات چاقو مجروح کرده‌اند. تنها شخصی که شب قیل او را دیده بود، روسی‌ای بود که چند هفته بعد در یک حادثه تصادف کشته شد؛ حادثه‌ای که مقصر آن هرگز پیدا نشد.

به گزارش آتلانتیک، پس از آن، کارگران در شرکت‌های تامین‌کننده بخش‌هایی از راکتور شروع به دریافت نامه‌های تهدیدآمیز از یک گروه مرموز می‌کردند. بمب‌هایی هم در دفتر یکی از شرکت‌ها در ایتالیا و در خانه مدیرعامل شرکت کار گذاشته شده بود که در نهایت خنثی شدند. طی چند ماه بعد دو دانشمند هسته‌ای دیگر عراق در حوادث جداگانه با مسمومیت جان خود را از دست دادند. اکثر کارشناسان معتقدند موساد - سرویس مخفی رژیم صهیونیستی - پشت هریک از این اتفاقات بوده است. این البته اولین باری نیست که رژیم صهیونیستی به کارشکنی یا ترور روی می‌آورد تا کشور دیگری را از دستیابی به دانش هسته‌ای یا موشک باز دارد. در اواخر دهه ۱۹۵۰ مصر با کمک دانشمندان آلمانی که بسیاری از آنها باقی‌مانده نازی بودند، یک برنامه موشکی بالستیک را در دستور کار خود قرار داد. در ژوئیه سال ۱۹۶۲ جمال عبدالناصر رئیس‌جمهور از دو موشک آزمایشی جدید در یک رژه نظامی رونمایی کرد و ابراز مسرت کرد از اینکه می‌تواند به اهدافی حتی تا جنوب بیروت حمله کند. موساد به سرعت، یک کارزار ارباب دانشمندان آلمانی را در دستور کار خود قرار داد. در ماه سپتامبر یعنی دو ماه پس از رژه، یک دانشمند کشته شد و در ماه‌های بعدی خانواده دانشمندان به‌طور مستقیم تهدید شدند. در ماه نوامبر چندین بمب نامه‌ای خطاب به دانشمندان به مراکز موشکی در مصر ارسال شد. یکی از آنها پنج مصری را کشت. همین باعث شد همه دانشمندان آلمانی مصر - و برنامه موشکی آن - را کنار بگذارند و پروژه شکست بخورد.

گذار دانش ایران از ترور

درباره ایران هم آیا وضع به همین شکل است؟ آیا ایران همچون عراق با تهدید خارجی یا ترور دانشمندان هسته‌ای اش، ناتوان در تولید دانش هسته‌ای است؟ یا اینکه همچون مصر نیاز به دانشمندان موشکی خارجی برای تقویت قدرت بازآزادگی و تهاجمی خود دارد؟ برای

پاسخ به این سوال باید کمی به عقب‌تر بازگشت و دید تازه‌ترین هدف سرویس‌های جاسوسی صهیونیستی و غربی، در زمان مناسبی ترور شده است یا خیر؟ منابع غربی ادعا می‌کنند محسن فخری‌زاده از سال ۱۹۹۱ عضو هیات‌علمی دانشکده فیزیک دانشگاه امام حسین (ع) بوده است و تقریباً از میانه دهه بعد نیز مورد توجه سرویس‌های امنیتی غربی و صهیونیستی قرار گرفته است. در همان سال‌ها که او در حوزه هسته‌ای مشغول فعالیت بود، طراحی برای ترورش در دستور کار قرار می‌گیرد. در سال ۲۰۱۰ روزنامه پیرتریز الاهرام چاپ قاهره ادعا کرده بود دستگاه‌های اطلاعاتی غرب و موساد رژیم صهیونیستی در کمین محسن فخری‌زاده دانشمند هسته‌ای ایران و رئیس تشکیلات محرمانه ناظر بر برنامه‌های هسته‌ای تهران هستند. عادل شهبود در گزارش «موساد در کمین محسن هسته‌ای» نوشته بود «دستگاه‌های اطلاعاتی غرب و همچنین موساد اسرائیل درصدد از بین بردن برنامه‌های هسته‌ای ایران هستند، به همین منظور دانشمندان فعال در برنامه‌های هسته‌ای این کشور هدف آنها قرار گرفته‌اند.»

تیم‌های ترور وابسته به رژیم صهیونیستی یک‌بار اقدام برای ترور محسن فخری‌زاده می‌کنند اما این ترور با موفقیت همراه نیست و پس از آن تدابیر امنیتی شدیدتری برای این دانشمند هسته‌ای کشورمان در نظر گرفته می‌شود. با این حال چند سال بعد و پس از نام بردن صریح بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی از شهید فخری‌زاده، او جمعه در مسیر بازگشت به تهران به شهادت رسید. با توجه به اینکه هر اقدامی یک یا چند هدف دارد که قطعاً از میان آنها برخی دارای اولویت هستند، باید به بررسی ترور این دانشمند هسته‌ای کشورمان بپردازیم و با پرسیدن درمورد برخی سوالات به درکی درباره هدف اصلی از انجام این اقدام دست پیدا کنیم. با توجه به شخصیت ذوالایعاد شهید محسن فخری‌زاده در صنایع گوناگون، قطعاً ترور او دارای اهداف متعددی بوده است. در ادامه به بررسی این موضوع پرداخته شده است:

آیا تل‌آویو به دنبال زدن ضربه علمی بود؟

نخستین پرسش مورد توجه در پرونده ترور دانشمند هسته‌ای کشورمان این است که آیا هدف رژیم صهیونیستی از ترور ایشان، ضربه علمی به ایران بود؟ نمی‌توان این موضوع را به صورت کامل نفی کرد. پروفیسور فخری‌زاده این قابلیت را داشت که تا سال‌ها در کنار حوزه اجرا، چند صد دانشجو را تربیت کند تا دانش بومی شده هسته‌ای پیش از پیش تقویت شود. به‌طور حتم او که در نزدیک به دو دهه قبل یکی از اهداف برای ترور بوده است، از فرصت موجود نهایت استفاده را برای تربیت دانشجویان برده است. پرسش دیگر اینکه آیا ترور او وقفه‌ای در رشد علمی ایران ایجاد می‌کند؟ به گفته کارشناسان متعدد بین‌المللی برنامه‌های علمی ایران در حوزه‌هایی مانند هسته‌ای و موشکی کارشان از ضربه‌پذیری از ترور گذشته و ریشه‌دار شده است. این

مساله بارها از سوی مقامات بلندپایه غربی مطرح شده و حتی جان کری وزیر اسبق امور خارجه آمریکا مرداد ۹۴ در جلسه استماع کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان گفت که «وضع یا ادامه تحریم علیه ایران نمی‌تواند دانش ایرانی‌ها درخصوص فناوری هسته‌ای را از بین ببرد. تحریم‌هایی که علیه این کشور وضع کردیم، حتی ارتقای این دانش در ایران را نیز نتوانست متوقف کند.» او آب‌پاکی را روی دست کسانی که حامی بمباران برنامه اتمی ایران بودند نیز ریخت و گفت: «دانش هسته‌ای ایرانی‌ها را نمی‌توانیم با بمباران از بین ببریم.» بنابراین می‌توان به‌صورت قاطع گفت ایران در سال‌های گذشته به همت شهید فخری‌زاده و شهدای هسته‌ای توانسته دانش هسته‌ای خود را بومی‌ساز کرده و از گزند دشمنان در امان نگاه دارد. با این حال نباید این نکته را از نظر دور داشت که با وجود ریشه‌دار شدن خط علمی در کشور، باز ترور دانشمندان برای کشور ضربه است و باعث شادی دشمن می‌شود؛ اما آیا این هدف به اندازه کافی بزرگ است یا اهداف دیگری نیز در پس اقدام اخیر صهیونیست‌ها نهفته است؟

هدف درگیری مستقیم است؟

پرسش دوم این است که آیا آنگونه که برخی از تحلیلگران می‌گویند، هدف رژیم صهیونیستی کشتادن ایران به درگیری مستقیم با تل‌آویو و مداخله ناگزیر آمریکا در این جنگ بوده است؟ برخلاف اظهارات تهاجمی سران رژیم صهیونیستی علیه ایران و ادعاهایی درباره حمله به نقاط استراتژیک، این رژیم به‌دلیل فقدان عمق راهبردی موثر و آگاهی از توان تسلیحاتی ایران، تلاش می‌کند که سطح درگیری با تهران به رویارویی نظامی در خاک سرزمینی ایران منجر نشود. برخلاف این راهبرد در حوزه نظامی، صهیونیست‌ها به‌صورت ویژه به‌دنبال همکاری با متحدان شان برای بهره‌برداری از فشار تحریم‌ها و رساندن ایران به نقطه فروپاشی هستند. در توان دفاعی و تهاجمی تل‌آویو همین بس که این رژیم، نیروهای مقاومت در غزه، لبنان و سوریه را به عنوان بزرگ‌ترین معضل‌های لاینحل در کنار خود دارد و با تمام توان نظامی نیز نتوانسته به آنها شکست را تحمیل کند. از سوی دیگر اگر به‌دنبال کشتادن تهران به جنگ با خود بود بسیار زودتر با انجام حملات گسترده به سوریه می‌توانست به آرزوی خود برسد.

به دنبال جلوگیری از بازگشت به برجام است؟

اصلی‌ترین سوال در این بین این است که با توجه به شکست دونالد ترامپ در انتخابات آمریکا و احتمال بازگشت دولت بایدن به برجام، آیا صهیونیست‌ها با این عملیات به‌دنبال جلوگیری از این اتفاق هستند؟ اگر چنین است، این اتفاق چگونه می‌تواند رخ دهد؟ اگر رژیم صهیونیستی بتواند باعث تشدید تنش بشود ولی این تنش به مرحله گداختن و جنگ نرسد، چگونه قرار است این ماجراجویی مانع بازگشت آمریکا به برجام شود؟ هدف اصلی رژیم صهیونیستی از اقداماتش هم در

این سوال هست و هم نیست. در صورتی که آمریکا عزم بازگشت به برجام را داشته باشد، رژیم صهیونیستی توان جلوگیری از آن را با وجود خواست دو طرف اصلی برجام یعنی ایران و آمریکا ندارد. پیش از این و در دولت اوباما با وجود مخالفت‌های آشکار این رژیم و لابی گسترده در کنگره، دولت آمریکا با ایران بر سر برجام به توافق رسید. بنابراین اگر در کاخ سفید مقامات آمریکایی به جمع‌بندی پرسند که منافع برجام برایشان بیشتر است، به‌طور حتم به آن باز می‌گردند و صهیونیست‌ها توان اثرگذاری بر آن را ندارند. صهیونیست‌ها شاید تنها یک شانس داشته باشند و آن جنگ نظامی با ایران است که بسته به تبعات این جنگ، آنها چنین ریسکی را نخواهند کرد.

هدف اصلی رژیم صهیونیستی در تقابل با ایران، «اقتصاد» است و اساساً با برجام هم به این دلیل مخالف بود. صهیونیست‌ها مدعی بودند با این توافق گرچه ایران در مسیر کنترل قرار گرفته و حتی حرکت علمی آن آسیب می‌بیند اما برجام می‌تواند باعث فروپاشی نظام تحریم‌ها شود. اقتصاد، در سال‌های گذشته، تحریم و جنگ اقتصادی لبه نبرد ایران و دشمنانش بوده است. آنها برای نفوذ در کشور از طریق مسائل حقوق بشری، جلوگیری از رشد علمی کشور در حوزه‌های گوناگون مانند هسته‌ای، جلوگیری از توسعه برنامه موشکی و ممانعت از اعمال نفوذ منطقه‌ای ایران و همه و همه، اقتصاد را نشانه گرفته است. با فروپاشی نظام تحریم‌های آمریکا، عملاً بسیاری از مشکلات کشور در مسیر حل‌شدن قرار خواهند گرفت. با روان شدن تجارت خارجی کشور و پیدایش آرامش در آن اقتصاد و معیشت مردم نظم گرفته و به تبع آن دیگر نهادهای کشور نیز قدرتمندتر خواهد شد. نظام تحریم‌ها همین حالا نیز دچار فرسایش شده است. نمونه آن تجارت خارجی چندده میلیارد دلاری ایران آن هم تحت جنگ اقتصادی بی‌امانی است که تحریم تنها یک بخش آن به حساب می‌آید.

با این حال، روی کار آمدن بایدن با توجه به نوع نگاه وی و دیگر دموکرات‌ها باعث بروز برخی تغییرات خواهد شد. جدا از اینکه بایدن چه راهبردی را در برابر ایران اعمال خواهد کرد، اظهارات او در مناظرات انتخابات ریاست جمهوری و همچنین تیم سیاست خارجی‌ای که او برای دولتش انتخاب کرده، این ادراک را در ایران و جهان به‌وجود آورده که در حداقلی‌ترین حالت، با آمدن بایدن، تحریم‌ها به شکلی شل و ناکارآمد ادامه پیدا خواهند کرد. همین ادراک نیز بدون توجه به نیات دولت بعدی آمریکا به‌نظام تحریم‌ها ضربه زده است. نزول قیمت دلار از ۳۰ هزار تومان به ۲۳ هزار تومان که گفته می‌شود به‌دلیل پیروزی بایدن است بر مبنای نگاه مثبت دموکرات‌ها به ایران نیست و به‌دلیل ادراک جمعی در ایران است. با وجود اینکه مشخص است تیم بایدن حاضر به کاستن از تحریم‌ها بدون توافق قابل توجه نیست اما بسیاری حتی در ناخودآگاه خود می‌دانند آمریکا توان پیگیری جنگ اقتصادی به این شکل را نخواهد داشت.

در چنین شرایطی است که صهیونیست‌ها وارد عرصه می‌شوند. آنها با تشدید تنش‌ها به دنبال انتقام‌گیری

تلاش قطر برای نجات واحد پول ترکیه

همزمان با کاهش ارزش پول ملی ترکیه و تلاش اتحادیه اروپا برای اعمال تحریم علیه این کشور امیر قطر یک‌بار دیگر با سفر به آنکارا تلاش‌های کشورش برای احیای اقتصاد ترکیه را از سر گرفت. سفر شیخ تمیم‌بن حمد آل ثانی به آنکارا با مصوبه نمایندگان پارلمان اروپا علیه ترکیه همزمان شد. خبرگزاری آنتولی ترکیه گزارش داد در ۷۰ ماه گذشته ۱۸ نشست میان سران قطر و ترکیه برگزار شده است. ترکیه و قطر در جریان این سفر ۱۰ قرارداد راهبردی امضا کردند که یکی از این توافقنامه‌ها واگذاری سهم ۱۰ درصدی بورس استانبول به قطر بود. سرمایه‌گذاری قطر در ترکیه اکنون به ۲۲ میلیارد دلار رسیده و بیش از ۵۵۰ شرکت ترک در قطر فعالیت می‌کنند. پروژه‌های شرکت‌های ساختمانی مربوط به ترکیه در قطر به ۱۸ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار رسیده است.

صادرات مستقیم نفت ونزوئلا به چین

به‌رغم تحریم‌های آمریکا ونزوئلا انتقال مستقیم محموله‌های نفتی خود به چین را از سر گرفته است. به گزارش شنیه اپرنا، این خبرگزاری انگلیسی‌نویس: «براساس آمار رهگیری کشتی‌های شرکت رفینیتیوایکون و اسناد داخلی شرکت نفت دولتی ونزوئلا، پترولئوس دی ونزوئلا (PDVSA) ونزوئلا صادرات مستقیم نفت خود به چین را به دنبال کاهش این تجارت در بیش از یک‌سال گذشته به دلیل تحریم‌های آمریکا از سر گرفت.» این رسانه افزود: «شرکت‌های دولتی چین از جمله شرکت ملی نفت این کشور (CNPC) و پتروچاینا که مشتریان ارشد قدیمی شرکت ملی نفت ونزوئلا بوده‌اند، با رهگیری نفت خام و سوخت از بندرهای ونزوئلا در ۱۹ اگوست ۲۰ و به دنبال تعمیم تحریم‌های آمریکا به شرکت ملی نفت ونزوئلا متوقف کردند. تحریم آمریکا شامل هر شرکت معامله‌کننده با شرکت دولتی نفت ونزوئلا بود.»

دلیل انصراف بن‌سلمان از معامله با نتانیاهو

وال استریت ژورنال نوشت دیدار محرمانه سران اسرائیلی و سعودی در رسیدن به یک توافق عادی سازی به دلیل انصراف ولیعهد عربستان از توافقی که واشنگتن میان‌گیری کرده بود، ناکام ماند. به گزارش ایسنا، این روزنامه به نقل از برخی مشاوران عربستانی و مسئولان آمریکایی نوشت: «زمانی که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل اواخر هفته گذشته برای انجام دیداری شبانه و محرمانه با شاهزاده محمد بن سلمان (ولیعهد عربستان) به عربستان سفر کرد، او و همپیمانانش در واشنگتن امیدوار بودند در این دیدار تائیدیهایی از طرف بن‌سلمان درباره اینکه قرارداد عادی سازی میان دو دشمن درپنده در خاورمیانه در دست انجام است، دریافت کنند اما برعکس نتانیاهو دست‌خالی به تل‌آویو بازگشت.» طبق گفته‌های مشاوران عربستانی و مسئولان آمریکایی، بن‌سلمان در بی‌نتیجه انتخابات آمریکا، تا حد زیادی از قرارداد عقب‌نشینی کرد.

لوکاشنکو قرار است استعفا کند

رسانه‌های دولتی بلاروس گزارش کردند الکساندر لوکاشنکو رئیس‌جمهور بلاروس اعلام کرده است که پس از اجرائی شدن قانون اساسی جدید از سمت خود استعفا خواهد کرد. بنا بر گزارش بلتا، لوکاشنکو طی دیدار با بیماران مبتلا به کرونا در بیمارستانی در مینسک تصریح کرد که کناره‌گیری در مقطع کنونی و قبل از تصویب قانون اساسی جدید، مشکل‌ساز خواهد بود. به‌دنبال برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری ماه آگوست (سپتامبر) در بلاروس که به پیروزی لوکاشنکو با کسب ۸۰ درصد آرا منتهی شد، موجی از اعتراض‌ها در این کشور در اعتراض به نتیجه انتخابات به راه افتاده که همچنان ادامه دارد. بسیاری بر این باورند این اعتراض‌ها با هدایت سازمان‌های جاسوسی آمریکا شکل گرفته است. دخالت آمریکا و اتحادیه اروپا در اعتراض‌های بلاروس واکنش و خشم مقامات بلاروس و روسیه برانگیخته است.